

گویند ناک بن چونشاند آدم ابله پس شاد خوار شد و خرم
 دانست که این شجر شراب افروزد آتش بجان خشک و ترافروزد
 اندر کار کرد که نازدین نسل بشر مگر بکند ازین
 دنیا بگردگامی او کردد که همان غلام طغرل او کردد
 طاوسی گشت درین آن روز نازرق و برق کرد و خرو و بز
 طاوس سان حال و فری کرد دنیا بزربال و پری کرد
 چون برك آورد گشت مهوری رقص و چله سازی و بد خوئی
 نازیب بخش مجلس بال آید سرایه فنا و زوال آید
 چون بارخواست دادن شیری تا آنکه بید جوی شود چرخشت
 و ز آتش جنک نسل آدم را بردارد و پاک سازد عالم را
 خنزیری گشت چونکه آب آورد ناست شد و خمار و خواب آورد
 نابعداران و مردم آزاران تشکیل دهند حزب بیکاران
 نابنک و قمار و چرس و افیون نیز آن آتش نند را نماید
 اصل و نسب شراب خوار این است نوباوه چارماد دهرین است
 نسلی کورا چهارماد آرد نبود عجب از جهان بیوبارد

